

تکرار تراژدی " همه با همی " این بار به شکل کمدی!

همه ما به خاطر داریم که چگونه طرفداران متشکل خمینی با تکرار وعده های دروغین آزادی و عدالتخواهانه ای که او در "نوفل لوشتاتو"ی فرانسه عنوان کرده بود، هر بار که پرسشی در باره اهداف خمینی و قدرت آینده مطرح میشد با تاکید بر لزوم اتحاد فراگیر و تمرکز قوا روی دیکتاتوری سلطنتی، گلو جر می دادند که " بحث بعد از مرگ شاه!". سرکوب خونین نهادهای برآمده از انقلاب و کشتار مخالفان و دگراندیشان در دهه شصت، معنای واقعی همه با همی و " بحث بعد از مرگ شاه" را نشان دادند. همه دیدند که ائتلاف عملی و مبارزاتی " همه با همی" در واقع امر معنائی جز همه در خدمت خمینی و حکومت ولایت اسلامی او نداشت. این یک تراژدی کامل بود که به شکست کامل انقلاب، جان ده ها هزار رزمنده آزادی و عدالتخواه جنبشهای اجتماعی کارگری، ملی، دانشجویی، زنان و حتی اقلیتهای مذهبی تمام شد. کارگران و زحمتکشان ایران با تجربه اعدام، شکنجه، زندان و تبعید، بیکاری و فقر خانمانسوز معنای واقعی نداشتن صف و تشکلهای مستقل مستحکم صنفی - طبقاتی، سیاسی و حزبی در مبارزه طبقاتی را درک کرده و در برابر قدرت ارتجاعی - مذهبی- سرمایه داری برآمده از جنبش همگانی ضد استبدادی - ضد سلطنتی بی دفاع ماندند. رژیم ولایت فقیه با آگاهی کامل و بطور سیستماتیک، پس از مرگ سلطنت، نطفه های این استقلال سیاسی - طبقاتی را که در قالب اتحادیه ها و شوراهای نوپا در حال شکل گیری بود در خون خفه کرد. فریاد " نه به جمهوری اسلامی" از همان فردای قیام بهمن ۵۷ در ایران طنین انداخت اما "همه با همی" دوران برآمد جنبش آن را خلع سلاح کرده بود.

به دنبال خیزشهای کارگران و فرودستان در دی ۹۶ و آبان ۹۸، و " نه " محکم و قاطع آنان به کل نظام جمهوری اسلامی، طیف رنگارنگ طرفداران نظم سرمایه در صدد مصادره این جنبش برآمد. آنچه درین بین تازه بود شدت گیری فعالیت طرفداران بازگشت ارتجاع مغلوب یعنی سلطنت پهلوی بود که با بزرگ نمائی چند تک شعار هواداری از رضا خان میرپنج توسط رسانه های بزرگ وابسته به قدرتهای امپریالیستی یا شیوخ عرب به میدان آمدند. این طیف از زمان " گروه ۸۱ نفر" دکتر باقرزاده که اولین تلاش همه باهمی برای ایجاد ائتلافی از طرفداران سلطنت و جمهوریخواهان بود، تا کنون انواع و اقسام " ائتلافات مخالفان" را پیشنهاد کرده که هر بار با شکست روبرو شده است، از " ققنوس" تا " شورای مدیریت گذار" تا شکست مفتضحانه " پیمان نوین" بیعت با رضا پهلوی.

مشکل این " طرح ها و برنامه ها" این بود که نقش رهبری بازمانده خاندان پهلوی در آنها بیش از حد آشکار بود تا بتوان آن را کتمان کرد. ازین رو حرکتی تازه می باید و آن عقب نشینی از " همه با من" آشکار، به " همه با همی" بود که بتوان در آن این نقش را در هاله ابهام پنهان کرد. و چنین است که ما با کارزار " نه به جمهوری اسلامی" جدیدی روبرو میشویم که با دزدیدن این شعار از اپوزیسیون چپ، که آن را تنها برای خط کشی با کل نظام جمهوری اسلامی در مقابل حامیان اصلاح طلبان در اپوزیسیون خارج از کشور طرح کرده بود و نه برای ایجاد ائتلافی در جهت کسب قدرت، آشکارا برای تقویت جبهه طرفداران سرمایه اعم از سلطنت طلب و یا جمهوریخواه به میان آورده است. شوخی تاریخ اینکه در میان امضاکنندگان، تعداد کسانی که در آن هنگام در حمایت از اصلاح طلبان حکومتی حاضر به همراهی با چپ و این شعار، نشده بودند این بار بسیار قابل توجه است! مایوس شدگان از موسوی - کروبی - روحانی این بار آمده اند تا در سایه "رهبری خردمندانه" فرزند "آریامهر سایه خدا" رکاب بزنند.

اما تلاش دست اندرکاران این کارزار در پوشاندن نقش برتر سلطنت طلبان آنجا مضحک میشود که در فهرست الفبائی امضاکنندگان، نام رضا پهلوی که قاعدتا در لیست کسانی که نامشان با حرف " پ " شروع میشود باید در انتهای آن باشد، اولین نام این بخش هست! به قول جورج اورول از قرار در "

میان کسانی که برابر هستند، بعضی ها برابرتر هستند!" دست اندرکاران این کارزار نتوانستند که چاکرمنشی خود نسبت به بازمانده خاندان پهلوی را پنهان کنند و دم خروشان از همان اول بیرون زد.

در میان امضاکنندگان این کارزار، علاوه بر امضا جمع کنندگان حرفه ای که بخشا تعدادی از آنان تا به امروز در تمام سپهر اپوزیسیون چرخ زده تا اینبار شاهزاده را بر دوش خود نشانند و چرخ زنند. علاوه بر خودفروختگانی چون منصور اسانلو، و علاوه بر حامیان سابق جناح اصلاح طلب رژیم، ما شاهد نامهای افسران ارتش در هم کوبیده شده سلطنتی هم هستیم! دست اندرکاران این کارزار وقاحت و گستاخی را به جائی رسانده اند که از فعالان سیاسی ضد جمهوری اسلامی میخواهند تا نامشان را در کنار سرکوبگران جنبش ضد سلطنتی، در کنار فرماندهان دستگاه سرکوب سلطنتی، قاتلان کارگران چیت سازی کرج و مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی، در کنار ساواکی های سابق و مدافعانشان بگذارند! تکرار تراژدی همه باهمی نوع خمینی دارد به تراژدی - کمدی همه باهمی و "همگامی" سرکوب شدگان و سرکوب کنندگان، قاتلان و قربانیان، شکنجه گران و شکنجه شدگان، زندانبانان و زندانیان... تبدیل میشود!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، با صدای بلند این تلاش تازه برای ایجاد ائتلافی از طرفداران سلطنت طلب و جمهوریخواهان بی پرنسیپ که برنامه و ماهیت قدرت سیاسی احتمالی آتی را، درست مثل خمینی و طرفدارانش، مسکوت گذاشته و در عمل یک " همه با منی" با شاهزاده را سازمان میدهد، محکوم کرده و از همه فعالان کارگری و مدافعان جنبش کارگری میخواهد تا صدای خود را بر علیه این نقشه جدید اردوگاه سرمایه، این بار با لباس مبدل سلطنت به میدان آمده اند تا این بار هم مانع تلاش کارگران برای ایجاد صف و تشکلات مستقل خود شده و راه را برای برآمد یک دولت جدید سرمایه داری فراهم کنند.

چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!

نه به شیخ و نه به شاه!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

مارس ۲۰۲۱ - اسفند ۱۳۹۹

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

